



« خدا کند تو بیایی »

«خدا کند تو بیایی» مجموعه مقالات ادبی است. محور سخن در هر کدام از فصول از این قرار است: «به نام نامی توحید» و «رکوع نرگس ها» و «شکوائی سبز» خطاب به پیامبر اکرم (ص)، «علی قراتر از نیاز همدی قرن ها» راجع به امیر المومنین (ع)، در فصل «فاطمه (س) راز آفرینش زن» و «اعتراض جوادانه» خطاب به حضرت زهرا (س) و در «شب تغسیل ماه» در مقام سوم شخص از ایشان سخن رفته است، عنوان دو فصل بعد «امام حسن (ع) حماسه حلم» و «از غدیر تا عاشورا» است و فصل «ذکر مصیبت» از داغ حسین (ع) می گوید، «ولادت عشق» خطاب به حضرتش، «یا لیتنا کنا معک» هم با محوریت عاشورا و حضرت سیدالشهدا (ع)، فصل بعدی «حج حسین (ع)»، «یک نگاه دگر» از زبان حضرت رقیه (س)، «میعاد روشنی» خطاب به حضرت زینب (س)، فصل بعد «دیدار با زینب»، «حجت بر تمامی زنان» باز هم راجع به حضرت زینب (س)، «صلای ولایت» و «زخم کهنه» خطاب به حضرت علی بن موسی الرضا (ع) و فصل پایانی با نام «خدا کند تو بیایی» خطاب به امام زمان (عج) است.



« شکوای سبز »

شکوائی سبز دریاقتی است از سه مناجات عرفه، ندبه و شعبانیه. زبان کتاب لحنی است میان دریافت و ترجمه. نه فقط ترجمه است و نه گسترده‌ی دریافت را دارد. نویسنده کوشیده است با تشبیهات و استعارات متنوع و رنگارنگ، در انتقال معنای دعا به مخاطب زیباترین و سهل ترین مسیر را بیامیزد. نویسنده در زیر عبارت «متی نعا دیک و نراو ح ففقر عینا» از دعای ندبه می نویسد: کی می شود صبح ناشتای چشم هایمان را به نگاه تو بگشاییم؟ کی می شود شام تصویر تو را به قاب خواب هایمان ببریم؟ کی می شود شب و روزمان در فضای ظهور تو بگذرد؟



« پدر، عشق و پسر »

«پدر، عشق و پسر» اثری دیگر از سیدمهدی شجاعی است که در آن فرازهایی از زندگی حضرت علی اکبر بن الحسین علیهما السلام به تصویر کشیده می شود. وقایع از زاویه اول شخص و از زبان اسب آن حضرت «عقاب» روایت می شود و مخاطب راوی در داستان، لیلی بنت ابی مره مادر گرامی حضرت علی اکبر (ع) است. فصول کتاب با عنوان «مجلس» نام گذاری شده و داستان متشکل از ۱۰ است که در هر مجلس، عقاب بازبانی عاطفی و دلنشین، صحنه ای از زندگی حضرت علی اکبر (ع) را روایت می کند.



« از دیار حبیب »

«از دیار حبیب»، زمانی است کوتاه که گوشه هایی از زندگی حبیب بن مظاهر یار سالخورده حضرت سیدالشهدا (ع) را به تصویر می کشد؛ البته قسمت اعظم آن، به شهادت حبیب در کربلا اختصاص دارد و وصف عشق و شیدایی او به امام زامنش. داستان از زاویه دید دانای کل روایت می شود و به ۱۰ بخش تقسیم شده است.



هم یادداشت



فاطمه سلیمانی
نویسنده

برای خالق آسمانی ترین مهر بانی

چند روز پیش، موظف شدم درباره استاد سیدمهدی شجاعی بنویسم. اما تمام تلاشم را کردم تا از زیر بار این مسئولیت شانه خالی کنم چون متوجه شدم حرفی برای گفتن ندارم. نه اینکه حرفی نباشد، بیان کردنش در توان من نبود و نیست. چه باید می گفتم؟ قرار بود از احساسات خودم به عنوان یک مخاطب بگویم؟ یا از تجربه ام به عنوان نویسنده ای که افتخار همکاری با یک ناشر و نویسنده حرفه ای را داشته است. نکند قرار بود استاد را معرفی کنم؟ این مورد آخر خنده دار بود. از کی تا به حال شاگردان استادان را معرفی می کنند؟ اصلا معرفی هم می کردم قرار بود چه بگویم؟ مثلاً از آثارشان بگویم؟ اما بگویم داستان نویس یا فیلمنامه نویس؟ یا نویسنده کودک و نوجوان؟ یا مترجم به دو زبان انگلیسی و عربی؟ بگویم پیشگام در عرصه داستان مذهبی و همچنان در اوج؟ مگر می شود یک نفر به اندازه یک داستان نویس داستان نوشته باشد و به اندازه یک فیلمنامه نویس فیلمنامه و به اندازه یک مترجم... یا شاید هم قرار بود از حسن خلق و مهربانی و بزرگواری شان بگویم. اما چطور باید می گفتم که

حق مطلب ادا شود؟ شاید هم باید از فرصت آفرینی برای نویسنده های جوان می گفتم. شاید هم... حق داشتم. معرفی کار من نبود و نیست. پس دوا به باقی می ماند؛ یا صحبت از احساسات مخاطب و نویسنده یا صحبت از رابطه نویسنده و ناشر. اما اول باید اولی را نقل می کردم تا به دومی برسیم. پس خاطره روزی را نوشتم که برای اولین بار کتاب «پدر، عشق و پسر» به دستم رسید. یکی از بهترین خاطراتم بوده و هست، اما روی کاغذ به آن قشنگی و نابی شد که بود. اینکه اولین بار کجا و در چه شرایطی با این کتاب مواجه شدم را شاید بعدها نوشتن اما همین قدر بگویم که در همه این سال ها بیش از ۱۰۰ بار این کتاب را در دست گرفته ام و با کلمه به کلمه اش زندگی کرده ام. بعد از آن اسم نویسنده کتاب، طوری در ذهنم نقش بسته بود که به راحتی از بین ده ها اسم تشخیص اش می دادم. چه در صفحات کتاب های درسی و چه در بین کتاب های کتابفروشی و چه در بین تیتراژ فیلم ها.

تصور اینکه روزی من چیزی بنویسم و نویسنده محبوبم بخواند آنقدر دور از ذهن بود که حتی در خواب و خیال هم نمی گنجید؛ چه برسد به اینکه من بنویسم و نویسنده محبوبم منتشر کند. آن هم مثل نوشته های یک نویسنده حرفه ای نه مثل کار

بایک نویسنده تازه کار و آماتور. تحقق این رویا جز به دست توانمند تقدیر محقق نمی شد که خود داستانی جداگانه دارد. هنوز نمی دانم کدام یک از این لحظات شادی آورتر بود. لحظه ای که اولین اثرم برای چاپ در نشر محبوب پذیرفته یا روزی که منتشر شد؟ یا روزی که از ناشر محبوب سفارش خلق یک اثر متفاوت را گرفتم؟ نوشتن داستانی درباره حضرت فاطمه مصومه (س) که شد اولین داستان از زندگانی حضرت. نمی دانم کدام یک از این لحظات بهتر از دیگری بود، اما می دانم هیچ کدام به اندازه دیدن لبخند رضایت حضرت استاد با شکوه و به یاد ماندنی نبود. به عنوان یک مخاطب داشتن کتاب های امضا شده نویسنده محبوب مثل یک گنج، گرانبهاتر. مخصوصا وقتی خطاب شده باشی «فاطمه سلیمانی عزیز» یا «دختر عزیز و نازنینم» که همین عبارت پراست از مهر پدری و من سال هاست تشنه مهر پدری ام. اما کتاب «به سپیدی یک رویا» که به خواست خودم با دستخط حضرت استاد مزین شده یکی از با ارزش ترین دارایی های من است؛ یادداشتی که شاید حداقل هفته ای یک بار مرور می کنم. «فاطمه خانم عزیز و باصفا، خوشا به سعادت تان که توفیق انجام چنین مهمی را نصیب شما کردند. امید که ملطفشان و توفیقات تان مستدام باد.» همین همیشه و همیشه از ته دل دعا می کنم که «سالیان سال در صحت و سلامت سایه تان مستدام باد».

از ارزش ترین دارایی های من است؛ یادداشتی که شاید حداقل هفته ای یک بار مرور می کنم. «فاطمه خانم عزیز و باصفا، خوشا به سعادت تان که توفیق انجام چنین مهمی را نصیب شما کردند. امید که ملطفشان و توفیقات تان مستدام باد.» همین همیشه و همیشه از ته دل دعا می کنم که «سالیان سال در صحت و سلامت سایه تان مستدام باد».

برای مردم، برای تعهد

نگاهی کوتاه به ۱۴ کتاب سیدمهدی شجاعی

صحیفه را به عهده داشت. سال های متمادی مسئولیت سردبیری مجله رشد جوان را بر عهده داشت و همزمان در سمت مدیر انتشارات برگ به انتشار حدود ۳۰۰ کتاب از نویسندگان و هنرمندان و محققان کشور همت گماشت. او مسئولیت داوری چند دوره از جشنواره فیلم فجر، جشنواره تئاتر فجر، جشنواره بین المللی فیلم کودک و نوجوان و جشنواره مطبوعات از فعالیت های هنری و فرهنگی را طی سال های ۶۵ تا ۷۵ بر عهده داشت.

اگرچه رشته تحصیلی اش ادبیات نمایشی بود و چند نمایشنامه هم به دست چاپ سپرد، اما پیشتر روی داستان نویسی متمرکز شد و مجموعه هایی از داستان های کوتاه و بلند مانند «ساتناماریا»، «غیر قابل چاپ» «سری که درد... می کند» را منتشر کرد. از دیگر آثار هنری سیدمهدی شجاعی، قطعه های ادبی اوست که در قالب چند کتاب به بازار نشر روانه شده اند.



« ساتناماریا »

ساتناماریا (جلد اول) مجموعه ۴۰ داستان کوتاه از سیدمهدی شجاعی است. داستان های کتاب به دو بخش تقسیم شده اند: دوره ۶۷-۷۷ و دوره ۶۷-۵۷ داستان های هر دوره کاملاً منطبق بر فضای حاکم بر اجتماع، دغدغه ها، افق ها، نگرانی ها و روزهای آن سال هاست. در دوره ۵۷ تا ۶۷ بیشتر با ادبیات دفاع مقدس مواجهیم. رشادت ها و مردانگی ها. ایثارها و از خود گذشتگی هاو... شهید و کمی جلوتر خانواده شهید. ارتباط معنوی و معنایی شهید و اطرافیان و دغدغه های اجتماعی آن دوران به عنوان زهد پذیری و زهد گریزی و... در دوره ۶۷ تا ۷۷ با نگرانی های جدید نویسنده رویه رویم. انتقاد به شیوه مدیریت، سوء استفاده ها، سوء مدیریت ها و... دغدغه های نویسنده دیگر شهادت و مردانگی نیست؛ شهادت گریزی و نامردی است.



« تنها راه رستگاری »

خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم (تنها راه رستگاری)، متن خطبه غدیر به همراه ترجمه و مقدمه ای کوتاه به قلم سیدمهدی شجاعی است. در مقدمه این کتاب که در قطع نیم وزیری چاپ شده است، می خوانیم: به چه کمال و سعادت می رسید انسان اگر به فرمان خدا و رسولش جان می سپرد و از شیطان بی صفت فریب نمی خورد و کندم را به ایمان مرجع نمی شمرد و از قامت در بهشت ولایت، محروم نمی گشت و بر خاکستر تباهی و ذلالت و مذلت نمی نشست؟ پاسخ صریح و آشکار خداوند متعال به این سوال این است: «اگر که مردم پس از ارتحال پیامبر، سر می سپردند به ولایت علی، امیرالمومنین، من درهای جهنم را می بستم و الی الابد بسته نگه می داشتم.»



« غیر قابل چاپ »

داستان های مجموعه «غیر قابل چاپ» اثر سیدمهدی شجاعی، نگاهی است آمیخته با طنز به واقعیت های بیرونی و اجتماعی؛ رویدادهایی که خواننده داستان ها، ممکن است هر آن با هر یک از آنها در دنیای واقعی مواجه شود. زبان طنز نویسنده در این کتاب، تلخ و گزنده و در عین حال پدیدار کننده و آگاهی بخش است. این مجموعه شامل ۹ داستان کوتاه است.



« طوفان دیگری در راه است »

«طوفان دیگری در راه است» جدیدترین رمان بلند سیدمهدی شجاعی و از پرفروش ترین آثار داستانی در نوع خود است. می توان گفت محور اصلی داستان، تحول و به عبارت بهتر، تولد دوباره است؛ زندگی مجددی که برای تک تک شخصیت های کتاب اتفاق می افتد و داستانک های نقل شده در لایه لای داستان اصلی، ماجرای همین تغییر و تحول ها برای شخصیت هاست.



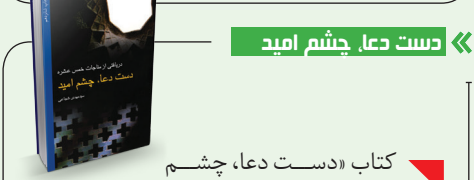
« کشتی پهلوگرفته »

«کشتی پهلوگرفته» پرفروش ترین اثر سیدمهدی شجاعی و همچنین پرتیراژترین کتاب ادبیات داستانی ایران طبق آمار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بیش از ۸۰۰ هزار- ضامن مروری بر نقاط عطف حیات حضرت فاطمه زهرا (س)، روایت مصائب زندگی ایشان از زبان اطرافیان شان و نیز شخص خودشان است. در واقع می توان گفت این کتاب مرثیه ای است منثور از زبان و دل صاحبان عزای فاطمی.



« آن است شیوه حکومت »

«آن است شیوه حکومت» تازه ترین اثر سید مهدی شجاعی است. این کتاب ترجمه شجاعی از عهدنامه یا همان نامه معروف حضرت امام علی (ع) به مالک اشتر است که در نهج البلاغه نیز آمده است. شجاعی در این کتاب نظر به اهمیتی که برای این فراز از نهج البلاغه به عنوان منشور و آیین نامه حکومت اسلامی قائل بوده آن را به صورت مجزا در قالب کتابی آورده است. شیوه ترجمه این متن ارائه همزمان متن با ترجمه است. شجاعی در صفحات این کتاب متن فارسی و به دنبال آن و در کنارش، متن عربی این نامه را قرار داده است و سعی کرده با استفاده از ساده ترین و شیواترین عبارات از عهده ترجمه این اثر برآید. نکته قابل توجه در این ترجمه آهنگین بودن آن و تلاش برای ارائه متنی است که بی آنکه به دنبال روایتی شاعرانه در ترجمه باشد توانسته آهنگی حماسی به خود بگیرد و به شکلی خاص عبارات را در پی هم و به منظور ترجمه قرار دهد.



« دست دعا، چشم امید »

کتاب «دست دعا، چشم امید»؛ دریافتی است از مناجات خمس عشره امام سجاد... مناجات هایی که تعبیر نویسنده از آنها چنین است: مناجات خمس عشره از وجود قدسی حضرت سجاد (ع) تراوش کرده از لطافت و خلوتی خاص و منحصر به فرد برخوردار است. امتیاز خاص و منحصر به فرد مناجات پانزده گانه- خمس عشر- این است که هر انسانی با ویژگی های روحی و روانی خودش و همه انسان ها در شرایط روحی و روانی مختلف شان، می توانند مناجات مورد نیاز خود را در این مجموعه پیدا کنند.



« آفتاب در حجاب »

«آفتاب در حجاب» روایتی است از زندگی حضرت زینب (س)؛ از کودکی تا عاشورا تا اسارت و وفات. اثری که ماندگاری اش از حال پیداست، زمانی که به پشتوانه تحقیقات دقیق و عالمانه تاریخی و روایی، به همه زوایای پنهان و آشکار زندگی و رفتار و درونیات حضرت زینب (س) پرداخته است. شجاعی زبان روایتش را در مخاطب انتخاب کرده؛ روای دانای کلی است نامحدود که در تمام روایت حضرت زینب (س) را مخاطب قرار داده و روایتش را پیش می برد.



« سقایی آب و ادب »

«سقایی آب و ادب»، اثری است متفاوت از سیدمهدی شجاعی؛ رمان و روایتی از زندگی حضرت عباس (ع)، که بعد از سال ها، اندک اندک جامه خلق پوشیده و در ظرف کتاب تقدیم مخاطبان شده است. رمان به یقین متفاوت است با آثاری از همین قلم؛ هم از حیث فرم و هم از حیث نوع نگاه محتوا. اثر شامل ۱۰ فصل است.

